خبر

مهروموم «گلشن» درشب غیرفرهنگی



شهرآرانیوز| مجموعه سینمایی گلشن مشهد به دلیل نقض قوانین حجاب در اماکن عمومی پلمب شد.

چند شب پیش برنامه‌ای در قالب همایش در سینما گلشن برج تجاری آرمیتاژ مشهد برگزار شد و تعداد درخورتوجهی از زنان مهمان در این مراسم ضمن رعایت نکردن موازین قانونی، کشف حجاب کردند. این اقدام غیرقانونی موجب شد تا با دستور قضایی، سینمای گلشن به دلیل رعایت نکردن قوانین مربوط به عفاف و حجاب پلمب شود. گفتنی است مجتمع تجاری آرمیتاژ پیش از این بارها به دلیل بی‌توجهی و تمکین نکردن از قوانین مربوط به عفاف و حجاب با تذکر روبه‌رو بوده است. اکنون باید دید که مسئولان وقت چه تدابیری برای روند رسیدگی به این مجتمع متخلف می‌اندیشند.

آخر خط

غریبه‌ها (قسمت آخر)

ایلیاموسایی| حالا خودشان را کشانده بودند به یک پارک زپرتی محلی که غبار روی بوته‌ها و درخت‌هایش را پوشانده بود. انگار سالی به دوازده ماه کسی پیدا نمی‌شد یک چکه آب بپاشد روی گل و گیاه و درخت‌ها، نشسته بودند روی یک نیمکت. سارا با دستمال دماغش را پاک کرد و بعد دستمال را با دو دستش بازو وارسی کرد.

امیر گفت: «باز اون جوری شدی؟» سارا نالید: «چیزی نیست.» امیر گفت: «اینجا اگه بیفتی غش کنی کجا ببرمت؟» سارا گفت: «نه که اون دفعه خیلی کارا کردی!» امیر گفت: «اگه یه ذره چشم ورو داشتی اینو نمی گفتی؟» سارا گفت: «چیو نمی گفتم؟ اینکه زنگ زدی دادا شم اومد دنبالم! یا وقتی دیدی خرج بیمارستان زیاد شده خداحافظی کردی رفتی که بیفته گردن بابام.» امیر گفت: «حالا هر چی، پس الان تو شهر غریب نیفت رو دستم.» سارا گفت: «چقدر داری؟» امیر گفت: «نمی دونم.» «من گشنمه.» امیر تکانی به خودش داد و از روی نیمکت بلند شد: «تهش یه تن ماهی بتونیم بگیریم.» سارا ماتش برده بود. تا خواست چیزی بگوید آسمان بالای سرشان ترک برداشت وآوار شد؛ صدای رعد دل آدم را خالی می کرد.

سارا گفت: «نون زیاد نگیر.» امیر گفت: «نچ، این می مونه برای تیر آخر، برای اون وقتی که دستمون به هیچ چیزی بند نشه.» سارا گفت: «حالا چی؟ نمی خوای بری پیش پلیس؟» امیر گفت: «توی گوشی‌ت بزن ببین نزدیک‌ترین کلانتری کجاست؟» سارا گفت: «احمق، اول زنگ می‌زنن ۱۱۰ بیاد.» کمی پودر سفید ریخت توی دستش و تا خواست با دماغ بکشد بالا، امیر پرید و دستش را محکم گرفت. سارا خرناس می کشید و تقلا می کرد. امیر هی داد می‌زد: «دماغت داره خون می‌آد، اگه بزنی فاتحه‌ت خونده‌س.» از روی نیمکت غلتیدند روی زمین. سارا وسط نفس‌زدن و خُرخُر کردن، جیغ کشید: «همه‌رو ریختی کثافت.» امیر داد می‌زد: «نمی‌دارم، نمی‌دارم.» وقتی دید کف دست سارا عین صورت بچه تمیز است، دست کشید. سارا با کف دستش محکم زد توی صورت امیر. امیر هردو دستش را گذاشت روی صورتش وولو شد روی زمین. سارا همان‌جا بلند شد و تا خواست چیزی بگوید دوباره آسمان رمبید. بوی رطوبت پیچید توی هوا. سارا گفت: «اگه بارون بیاد، شب کجا بمونیم؟» امیر تودماغی گفت: «شکستیش لامصب.» سارا گفت: «حقته، دلم خنک شد.» باران شروع شد. اول یواش بود، بعد صدای قطره‌ها روی زمین بلند و کرکننده بود. زیر شاخه‌های تُنُک و کم‌برگ یک درخت زردانبو پناه گرفتند. امیر رفت زیر باران و صورتش را گرفت بالا که خط خون با قطره‌ها شسته شود.

سارا گفت: «چی کار کنیم؟ می‌ری کلانتری یا زنگ بزنیم ۱۱۰؟» امیر جواب نداد. همین طوری راه افتاد زیر باران و خودش را انداخت توی دست‌شویی مردانه. توی آینه دید که لکه خون چطور روی لب بالایی پخش شده. شیر را باز کرد و مشت مشت آب بود که به صورت می‌زد. بعد با آستین صورتش را خشک کرد. وقتی آمد بیرون، زیر باران دوید تا برسد به درخت. یک لحظه دید که چیزی مثل مرغ ذبح‌شده زیر نیمکت بال‌بال می‌زند. داد زد: «یاخدا!!!... تو چقدر نفهمی آخه...» سارا روی زمین غلت می‌خورد و امیر هر کاری می کرد که دست‌هایش را محکم نگه دارد، بلکه لرزش بدنش کمتر شود، فایده نداشت. چشم‌های سارا توی حدقه چرخیده بودند و کف سفیدی بین لب‌هایش حباب می‌زد.

امیر ناله کرد: «حیوون چرا این‌قدر نفهمی، من الان چی کار کنم؟» لرزش بدن سارا کمتر شد. صاعقه آسمان را درید و خط سفیدی از نور بالای سر شهر درست کرد. امیر تندتند با هر دو دست کشیده‌های محکم به صورت سارا می‌زد. فایده نداشت. داد زد: «گفتم نکن، گفتم نکن، دیدی آخرش چی کار کردی؟» گوشی را برداشت و شماره گرفت. گفت: «آقاااا زنم، زنم مرده...» داشت گریه می کرد. بعد گفت: «نه... زنمه.» گوش داد. آسمان باز هم صاعقه زد. صدا مثل میخ قلب آدم را می‌شکافت. گفت: «آقاااا زود بیا تو رو خدا، اوردوز کرده.» دوباره گوش داد: «نمی‌دونم، نمی‌دونم کجام. مسافریم، اینجا غریبیم.»

پایان

جنایت با ضربه کلنگی چاقو

جزئیات تازه از پرونده قتل زن میان‌سال که قربانی هووی صیغه‌ای خود شد

مهدی قرآنی

گزارش

ظهر جمعه بود که بدن غرق در خون زن میان‌سالی به بیمارستان شهید هاشمی‌نژاد مشهد منتقل شد و بلافاصله به بخش مراقبت‌های ویژه انتقال یافت. اگرچه زن بدون علائم حیاتی بود و تا به بیمارستان برسد خون زیادی هم از او رفته بود، اما پزشکان سعی در احیایش داشتند تا شاید بتوانند امید را در دل دختر و پسر جوانش زنده کنند.

پچ پچ های همراهیان زن بخت برگشته از یک درگیری خونین زن و شوهری حکایت داشت. درگیری ای که با صفرشدن علائم حیاتی زن و بوق ممتد دستگاه ضربان قلبش به فوت مشکوک او بدل شد. همراهیان زن اما با لباس های خونین، انتظار مادرشان را می کشیدند که با شنیدن خبر فوتش صدای فریاد و شیونشان بلند شد.

دختر جوان خطاب به پدرش که حالا او را قاتل می خواند و برادر جوان ترش هم کنترل خود را از دست داده بود، صدایشان بالا گرفته و اگر مأموران سر نرسیده بودند، احتمال درگیری دیگری در بیمارستان اتفاق می‌افتاد.

شواهد ابتدایی حاکی از آن بود که مرد پنجاه و سه ساله همسر چهل و هفت ساله‌اش را با چاقو زده است و تا موضوع را به اورژانس اطلاع بدهند و او را به بیمارستان منتقل کنند، این شخص جانش را از دست می‌دهد.

موضوع از طریق کادر درمان بیمارستان به پلیس اعلام می‌شود و زمانی نمی گذرد که مأموران انتظامی به همراه کارآگاهان پلیس آگاهی در محل حاضر می شوند. شواهد امر پیداست که زن میان‌سال به قتل رسیده است و نتیجه معاینات اولیه کادر اورژانس بیمارستان شهید هاشمی نژاد، مهر تأییدی بر این فرضیه است.

موضوع به بازپرس جنایی دادسرای مشهد اعلام و تحقیقات با دستور قاضی صفری از بستگان مقتول آغاز می‌شود. اظهارات دختر و پسر متوفی درباره اختلافی است که حول یک زن می گردد. زنی که پدرشان اورا کتمان می کند و وجودش را تصورات ذهنی همسر مرحومش می‌داند.

نمی‌خواستم اورا بکشم

حالا اما قاضی صفری در بیمارستان حضور یافته و تحقیقات اولیه پرونده نیز تکمیل شده و به او گزارش می‌شود. بررسی جسد متوفی نیز از اصابت ضربه چاقو به طور عمودی یا به اصطلاح کلنگی در ناحیه قاعده گردن حکایت دارد. جراحت عمیقی که عمق فرورفتگی چاقو به ۱۰ سانتی‌متر می‌رسید. خون بر روی سروصورت متهم اصلی مشهود بود و حتی لباس هایش هم خونی بود. او که مدعی است نمی خواسته همسرش را بکشد به بازپرس پرونده می گوید: «از دور اورا زدم و چاقو را در گردنش فرونکردم.» اگرچه مرد پنجاه و سه ساله حقیقت ماجرا را کتمان می کرد اما آنچه از شواهد امر پیدا بود، او نه تنها چاقو را در گردن همسر مرحومش فرو کرده، بلکه با ضربه کاری به طور عمودی وی را از پا درآورده است.

خانه خون گرفته

گروه بررسی صحنه، با دستور مقام قضایی به همراه متهم اصلی پرونده به محل جنایت در خیابان بهمن ۴ می‌روند. صحنه جنایت، خانه مسکونی ویلایی کوچکی است که از آشپزخانه گرفته تا اتاق‌ها، کابینت‌ها تامیز ناهارخوری و مبلمان، همگی آثار خون بر رویشان مشهود بود. دختر خانواده که ۲۵ سال دارد و خودش شاهد این صحنه دل‌خراش بوده است به قاضی



پرونده می گوید: «مادرم می دانست که پدرم با زنی ازدواج کرده است اما او مدام این ماجرا را کتمان می کرد. من و برادرم هم نمی توانستیم با این موضوع کنار بیاییم. سفره ناهار پهن بود که دعوایمان بالا گرفت و مادرم قابلمه غذا را به سمت پدرم پرتاب کرد. در کمال ناباوری پدرم از داخل آشپزخانه یک چاقوی بزرگ را برداشت و با شدت به گردن مادرم زد. خون از گردن مادرم بیرون زد و همه جای خانه پاشید. برادرم موضوع را به اورژانس اطلاع داد و من هم مادرم را در آغوش گرفتم. هرچه دستم را روی زخمش قرار می‌دادم تا مانع خون‌ریزی‌اش شوم، اما فایده نداشت و باز هم خونش جاری بود. بی‌حال شده بود که اورژانس از راه رسید. او را به بیمارستان منتقل کردیم، اما دوام نیاورد و فوت کرد.»

پسر جوان هم با تأیید اظهارات خواهرش از مقام قضایی خواست تا پدرش را مجازات کنند.

کتمان حقیقت

متهم اصلی اما همچنان مدعی بود که پای هیچ زنی به جز همسرش در زندگی در میان نیست. او می‌گوید که زن دوم ندارد و همسرش به او انگ می‌زده است. عصر جمعه بود که بازسازی اولیه صحنه جرم توسط مرد میان‌سال در خانه‌ای که همسرش در خون غلتیده بود، انجام شد و متهم آنچه خودش می خواست به مقام قضایی گفت.

او همچنان حقیقت ماجرا را کتمان می کرد تا شاید بتواند از این چاهی که کنده است، بیرون بیاید و دامنش را از این گناه پاک کند. بیرون خانه اما غوغایی به پا بود و خودروهای پلیس، اهالی محل را به خیابان کشیده بودند. هوا رو به تاریکی می‌زد که متهم به صورت تحت‌الحفظ و با دستور قضایی به مرکز پلیس آگاهی منتقل و تحقیقات این پرونده به روز بعد کشیده شد.

پای یک زن در میان بود

صبح دیروز فرزندان مقتول در سالن دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲ مشهد، انتظار پدر قاتلشان را می کشیدند که مأموران این شخص را به شعبه بازپرسی قتل عمد دادسرا آوردند. مرد میان‌سال که گویا از شب گذشته (شامگاه جمعه) حسابی با خود خلوت داشته است، در همان تحقیقات اولیه، وجود زن دوم را تأیید کرد. او از یک ماه قبل بازنی به طور موقت ازدواج کرده است که در این میان همسر مقتولش از ماجرا مطلع می‌شود و اختلاف بین آن‌ها به‌وجود می‌آید. این اختلاف هر روز بیشتر می‌شود تا اینکه متوفی متوجه می شود همسرش با زن صیغه‌ای خود به سفری خارج از استان رفته است. موضوعی که با بازگشت متهم، درنهایت به یک درگیری تمام‌عیار و با خون به پایان می‌رسد. حالا دختر بیست و پنج ساله و پسر شانزده ساله مقتول در دادسرا حاضر شده‌اند و از مقام قضایی درخواست قصاص پدرشان را دارند.

جزئیات تازه از پرونده جنجالی بیمارستان حاشیه ساز

خبر

دندانساز| پنجشنبه شب بود که خبر فوت زن جوان مشهدی بر اثر عمل زیبایی در بیمارستان مهرگان مشهد، بازتاب گسترده‌ای در فضای مجازی پیدا کرد و دوباره نام این بیمارستان خصوصی را بر سر زبان‌ها انداخت. بار قبل دی ماه سال ۱۴۰۰ بود که خبر فوت یک زن عرب چهل ساله بر اثر عمل لیپوساکشن، منجر به تعطیلی تمام اتاق‌های عمل بیمارستان مهرگان، به‌جز یک اتاق عمل برای مواقع اورژانس شد.

این بار بخت با زن سی و دوساله مشهدی یار نبود که عمل لیپوساکشن، او را به نتیجه دلخواهش برساند. درحالی‌که مشاوره‌ها و آزمایش‌های پیش از عمل جراحی، مشکلی بابت این عمل نشان نداده بود، ولی حدود دو ساعت پس از انجام عمل جراحی، زن دچار اختلال هوشیاری می شود و تلاش‌ها بی‌نتیجه می‌ماند و متأسفانه فوت می‌کند.

گزارش‌های اولیه بیمارستان هم علت فوت این زن جوان را احتمالا «آمبولی ریه» می‌داند. با این حال باید منتظر پاسخ نهایی پزشکی قانونی ماند. روز گذشته هم رئیس بیمارستان مهرگان به معاونت درمان فراخوانده و پاسخگوی سؤالات مدیران شد. بدین ترتیب بیمارستان مهرگان تا اطلاع ثانوی فقط اجازه عمل‌های جراحی اورژانسی را دارد و به هیچ‌وجه مجوز پذیرش بیماران الکتیو (غیر اورژانسی) را نخواهد داشت. درباره اخراج یا برکناری رئیس بیمارستان مهرگان نیز با توجه به اینکه این بیمارستان متعلق به بخش خصوصی است و دانشگاه نمی‌تواند مستقیما رأی به برکناری رئیس آن بدهد، با این حال نظر معاونت علوم درمان درباره این موضوع به دادستانی اعلام شده است.

اما شنیده‌ها حاکی از آن است که بیمارستان مهرگان برای انجام عمل زیبایی مجوز نداشته است و پزشکی که این عمل جراحی را انجام داده، متخصص آن نبوده است. اولیای دمِ متوفی هم شکایت خود را مطرح کرده‌اند و پرونده در حال رسیدگی است و به‌زودی نتایج تحقیقات اعلام خواهد شد. ولی توجه به این موضوع اهمیت دارد که جراحی‌بینی و جراحی چاقی، از شایع‌ترین جراحی‌های زیبایی انجام‌شده در کشور ماست. همچنین طبق آمار پزشکی قانونی کشور در سال گذشته، هر هفته دو مرگ زیر تیغ جراحان زیبایی غیرمجاز در کشور اتفاق افتاده است. درواقع بیشتر پرونده‌هایی که در حال حاضر در پزشکی قانونی بررسی می‌شود، مربوط به عمل‌های زیبایی است که توسط افراد غیرمتخصص انجام شده است.

نوه خطاکار حساب مادربزرگ را خالی کرد

خبر

ابوعطا| پیرزن نمی‌دانست چه شده، وقتی فرزندانش به او اعلام کردند که حسابش خالی است، او شوکه شده بود. با یک حساب سرانگشتی می‌گفت که باید بیش از ۵۰ میلیون تومان در حسابش باشد، اما هیچ پولی در حساب پیرزن نبود و همین شد که فرزندانش برای شکایت به پلیس فتای شهرستان جوین مراجعه کردند. با اعلام شکایت شهروندی مبنی بر سرقت ده‌ها میلیون تومانی از حسابش، پرونده در دستور کار کارشناسان پلیس فتای شهرستان جوین قرار گرفت. بررسی‌های اولیه نشان داد که این سرقت‌ها به‌صورت قطره‌چکانی و به مدت یک سال از حساب این شهروند برداشت شده است.

کارشناسان پلیس فتا مبلغ برداشتی را ۵۰ میلیون تومان تخمین زدند و در ادامه با تحقیقات گسترده در فضای سایبری به یک سرباز رسیدند که تمام برداشت‌ها از جانب او انجام شده بود. در ادامه مشخص شد که این فرد نوه مادربزرگ است و زمانی که پیرزن کارتش را در اختیار او گذاشته بود، پسر جوان با ایجاد رمزدوم اقدام به برداشت از حساب پیرزن کرده بود.

سرقت سرما از خانه مشهدی‌ها

خبر

سهیل دیبا| این هفته هوای بهاری مشهد رکورد جدیدی به‌جا می‌گذارد و مشهدی‌ها دمای ۴۰ درجه را تجربه می‌کنند. در این میان در چند روز گذشته چند سارق مکار بانفوذ به خانه‌ها به‌نوعی اقدام به سرقت سرما کرده و شهروندان را در این هوای داغ تب‌دار رها می‌کردند. پلیس این سارقان موذی را در مخفیگاهشان درحالی که زیر باد خنک کولر نشسته بودند، دستگیر کرد.

پس از اعلام چندین فقره سرقت موتورکولرهای آبی در مناطق کوی امیر، بولوار تلاش و شهید فرامرزعباسی با دستور سرهنگ احمد نگهبان، رئیس پلیس مشهد، مأموران پلیس آگاهی مشهد وارد عمل شدند. مأموران با بررسی تصاویر دوربین‌های مداربسته و استفاده از بانک اطلاعاتی مجرمان سابقه‌دار، جوانی حدود بیست و هفت ساله را شناسایی و با یک‌سری تحقیقات میدانی دستگیر کردند. در بازرسی از مخفیگاه این فرد چهار دستگاه موتور کولر سرقتی کشف شد. متهم تاکنون به ۲۶ فقره سرقت موتور کولرهای آبی و فروش اموال مسروقه به فردی مال‌خر که تبعه خارجی است، به مبلغ ۵۰۰ هزار تومان در منطقه خین‌عرب اعتراف کرده است. دراین رابطه پانزده نفر از مال‌باختگان شناسایی و اموال مسروقه به آن‌ها تحویل شد.

جدول ۳۷۵۳

